

aStPaOsNh.S.cRa



**خانم کارلا سه ماه اول
مهاجرت را گذاشته بود
برای گریه کردن؛
۴ سال بعد او چه می گوید**



پریا اسکویی

مدیر سایت icmohajer.com
مشاور رسمی امور مهاجرت - کانادا

atash.ca

SPONSOR

aStPaOsNhS.OcRa



خانم کار لا سه ماه اول
مهاجرت را گذاشته بود
برای گریه کردن؛
۴ سال بعد او چه می گوید



پریا اسکویی

مدیر سایت icmohajer.com

مشاور رسمی امور مهاجرت - کانادا

atash.ca

مهاجرت

خانم کارلا سه ماه اول مهاجرت را گذاشته بود برای گریه کردن؛ ۴ سال بعد او چه می‌گوید

Immigration To Canada Experience - Carla Salazar From Peru

شوهر کانادایی کارلا بعد از ۱۷ سال زندگی در لیما، پایتخت پرو، از این شهر پر استرس که اوضاع رانندگی وحشتناکی دارد، خسته شد. برای همین این زن و شوهر تصمیم گرفتند، کانادا را برای زندگی انتخاب کنند و به همین دلیل، در شب سال نوی سال ۲۰۱۷، کارلا، همسر و ۳ دخترش ماجراجویی خود را آغاز کردند و از تابستان گرم و پر حرارت پرو به زمستان سخت کانادا وارد شدند



خانم کارلا سه ماه اول مهاجرت را گذاشته بود برای گریه کردن؛ ۴ سال بعد او چه می‌گوید

شوهر کانادایی کارلا بعد از ۱۷ سال زندگی در لیما، پایتخت پرو، از این شهر پر استرس که اوضاع رانندگی وحشتناکی دارد، خسته شد.



برای همین این زن و شوهر تصمیم گرفتند، کانادا را برای زندگی انتخاب کنند و به همین دلیل، در سال ۲۰۱۷ همراه با ۳ دخترشان به اتاوا آمدند.

البته، وارد شدن به یک کشور جدید، با این زمستان‌های سرد و استخوان‌سوز برای کارلا اصلا کار آسانی نبود. به‌خصوص که شوهرش از همان ابتدا به او گفته بود در سه ماه اول مهاجرت به کانادا احساس بدبختی خواهد کرد و التماس می‌کند که به لیما برگردد.

کارلا هم خود را برای چنین وضعیتی آماده کرده بود، اما خوشبختانه این اتفاق نیفتاد و خیلی زود توانست با کانادا ارتباط برقرار کند.

او حالا شغلی در کانادا پیدا کرده و قرار است امسال روند شهروندی را آغاز کند.

در مطلب پیش رو، می‌توانید داستان مهاجرت کارلا و خانواده‌اش را از زبان خود او بخوانید.

Click

اسپانسر ویژه



پریا اسکویی

مشاور رسمی امور مهاجرت - کانادا

خانم کارلا سه ماه اول مهاجرت را گذاشته بود برای گریه کردن؛ ۴ سال بعد او چه می‌گوید



خانم [Carla Salazar](#) و شوهرش ۱۷ سال با هم در Lima، پایتخت کشور پرو زندگی می‌کردند.

کارلا در پرو متولد و بزرگ شده و شوهرش کانادایی است. شوهر کارلا بعد از ۱۷ سال زندگی در لیما، می‌خواست به کانادا برگردد و کارلا فکر می‌کرد این تصمیم برای یک سال یا حداکثر دو سال باشد.

در شب سال نوی سال ۲۰۱۷، کارلا، همسر و ۳ دخترش در قلب زمستان سخت کانادا وارد اتاوا شدند و تابستان پرو را پشت سر گذاشتند.

در ادامه این مطلب، کارلا داستان خود در مورد آمدن به کانادا، کنار آمدن با زمستان‌ها، غلبه بر شوک فرهنگی و عاشق پایتخت شدن را تعریف کرده است.

مهاجرت به کانادا یک جور ماجراجویی بود که به آن خوش‌بین نبودم

نقل مکان به کانادا یک جور ماجراجویی بود. من فکر می‌کردم که قرار است این ماجراجویی، یک ساله یا حداکثر دو ساله باشد. تصورش را هم نمی‌کردم که بتوانم به زندگی کانادایی عادت کنم. در واقع، نسبت به اقامت در کانادا، آن قدر دور از خانواده، دوستان و غذاهای پرو که عاشقشان هستم، اطمینان نداشتم. من خیلی خوش‌بین نبودم و دلم می‌خواست به لیما برگردم.

زندگی ما در پرو خوب بود؛ اما شوهرم در آنجا خوشحال نبود. لیما می‌تواند شهری بسیار پراسترس باشد، چون این شهر بسیار بی‌نظم است. از طرف دیگر، رانندگی در آنجا وحشیانه است و ترافیک درست شبیه یک کابوس است که هر سال هم بدتر می‌شود. ما در خارج از شهر در منطقه‌ای زندگی می‌کردیم که فقط دو راه داشت؛ راه خروجی و راه ورودی به یک شهر ۱۰ میلیون نفری. شوهر کانادایی من به این وضعیت عادت کرده بود؛ اما بالاخره بعد از ۱۷ سال خسته شد

خانم کارلا سه ماه اول مهاجرت را گذاشته بود برای گریه کردن؛ ۴ سال بعد او چه می‌گوید

شوهر کانادایی‌ام بعد از ۱۷ سال از زندگی در پرو خسته شد

زندگی ما در پرو خوب بود؛ اما شوهرم در آنجا خوشحال نبود. لیما می‌تواند شهری بسیار پراسترس باشد، چون این شهر بسیار بی‌نظم است. از طرف دیگر، رانندگی در آنجا وحشیانه است و ترافیک درست شبیه یک کابوس است که هر سال هم بدتر می‌شود.

ما در خارج از شهر در منطقه‌ای زندگی می‌کردیم که فقط دو راه داشت؛ راه خروجی و راه ورودی به یک شهر ۱۰ میلیون نفری. شوهر کانادایی من به این وضعیت عادت کرده بود؛ اما بالاخره بعد از ۱۷ سال خسته شد.

دلایلی که باعث شد اتاوا را برای زندگی انتخاب کنیم

ما در مورد نقل مکان به کانادا صحبت می‌کردیم، اما تصمیم نگرفته بودیم که کدام شهر مقصدمان باشد. ما چندین بار در تعطیلات به کانادا سفر کرده بودیم و دو بار به تورنتو، ونکوور و مونترال رفته بودیم.

من در مورد این شهرها اطلاعاتی به دست آورده بودم و وقتی برای اولین بار تورنتو را دیدم، از این شهر خوشم آمد.

در آن زمان، ما تازه ازدواج کرده بودیم و بچه نداشتیم و تورنتو به نظرم فوق‌العاده بود. اما وقتی شما یک خانواده دارید، همه چیز متفاوت است. علاوه بر این، من از ترافیک لیما خسته شده بودم و زندگی در یک شهر کوچک‌تر را ترجیح می‌دادم.

شوهرم از من پرسید آیا دوست داری در ونکوور زندگی کنی؟ تورنتو هم مثل لیما در سواحل اقیانوس آرام، Pacific coast قرار دارد.

البته، او فکر می‌کرد شاید ونکوور از نظر احساس غربت نداشتن برای من بهتر باشد. اما من می‌دانستم که شرایط ترافیک در ونکوور چقدر بد است و نمی‌خواستم کاری با ترافیک در شهرهای بزرگ داشته باشم.

در اولین سفری که به کانادا داشتیم، به اتاوا هم رفته بودیم. شوهرم اتاوا را می‌شناخت، چون چهار سال در دهه ۹۰ در آنجا زندگی کرده بود و از کیفیت زندگی در یک شهر کوچک‌تر اطلاع داشت.

در اتاوا این امکان وجود دارد که از تعادل بین کار و زندگی لذت ببرید. به همین دلیل، اتاوا را برای



کانادا

سرمایه‌گذاری، کارآفرینی
تخصصی، دانشجویی
اسپانسرشیپ، تمدید کارت
دائم و سیتزن‌شیپ

پذیرش و ویزای دانش‌آموزی و دانشجویی
کانادا برای مقاطع دبیرستان، فوق‌دیپلم
لیسانس و فوق‌لیسانس بدون نیاز به ارائه
مدرک زبان انگلیسی

Click

PERSIS
905.370.0160
Immigration Services
دفتر خدمات مهاجرت
پریا اسکویی

www.canada118.com
10255 Yonge St., Unit 207, Richmond Hill, ON, L4C 3B2

خانم کارلا سه ماه اول مهاجرت را گذاشته بود برای گریه کردن؛ ۴ سال بعد او چه می‌گوید

زندگی انتخاب کردم.

این شهر مانند لیما دارای یک مرکز تاریخی است و دریاچه‌های Gatineau بسیار به آن نزدیک هستند و تنها نیم ساعت با مرکز شهر فاصله دارند.

همین ویژگی‌ها باعث شده من عاشق اتاوا شوم.

از دیدن زمستان‌های کانادا هیجان‌زده شدیم

من بسیار نگران کنار آمدن با زمستان و سرمای کانادا بودم. اما اولین باری که دیدیم برف بیرون پنجره ما می‌بارد، بسیار زیبا بود. با خودم فکر کردم این فوق‌العاده است. اینجا دنیای کاملاً متفاوتی برای ما بود و ما بسیار هیجان‌زده شدیم.

هر آخر هفته، کاری در خارج از منزل انجام می‌دادیم، حتی در زمستان با دمای پایین‌تر از منفی ۲۰ درجه سانتیگراد؛ زمانی که برای ساختن آدم برفی خیلی سرد بود.

به یاد دارم که فیلم‌هایی تهیه می‌کردم و آنها را برای خانواده‌ام در پرو می‌فرستادم و می‌گفتم: «برف را ببینید! ما این کار را می‌کنیم، ما آن کار را می‌کنیم! اسکیت، سورتمه‌سواری و همه این فعالیت‌های سرگرم‌کننده زمستانی».

این بهترین کاری بود که می‌توانستیم انجام دهیم. زمستان بعدی آسان‌تر بود و سومین زمستان بسیار راحت‌تر.

شغلی که توانستم در کانادا برای خودم پیدا کنم

من یک روزنامه‌نگار هستم، اما انتظار نداشتم که به‌عنوان یک روزنامه‌نگار در کانادا کار پیدا کنم.

از آنجا که من به‌طور حرفه‌ای به زبان انگلیسی متن نوشته بودم (اولین بار است که در وبلاگم به زبان انگلیسی می‌نویسم)، اطمینان نداشتم که بتوانم در یک محیط مربوط به روزنامه‌نگاری فعالیت کنم. بنابراین، تصمیم گرفتم به‌عنوان معلم زبان اسپانیایی شغلی پیدا کنم.

من در یک مدرسه زبان شروع به یادگیری زبان فرانسه کردم و زبان‌آموز خوبی بودم. یکی از معلمان پیشنهاد داد که می‌توانم یک معلم جانشین زبان اسپانیایی باشم. وقتی از دفتر پرس‌وجو کردم، به من گفتند که گواهینامه لازم برای مدرسه زبان را ندارم، اما می‌توانم برای یک مدرسه



۱ من بسیار نگران کنار آمدن با زمستان و سرمای کانادا بودم. اما اولین باری که دیدیم برف بیرون پنجره ما می‌بارد، بسیار زیبا بود. با خودم فکر کردم این فوق‌العاده است. اینجا دنیای کاملاً متفاوتی برای ما بود و ما بسیار هیجان‌زده شدیم

خانم کارلا سه ماه اول مهاجرت را گذاشته بود برای گریه کردن؛ ۴ سال بعد او چه می‌گوید

ابتدایی درخواست کنم. من هم همین کار را انجام دادم.

با مدیر یک مدرسه محلی ارتباط برقرار کردم و او بلافاصله به ایمیل من پاسخ داد. یک بررسی سابقه پلیس انجام شد و هفته بعد کار را شروع کردم. یک کار نیمه‌وقت بود، اما راهی برای کسب تجربه کار کانادایی محسوب می‌شد.

در سپتامبر گذشته، معلم دیگری که با او ملاقات کردم، به من توصیه کرد به داوطلبان کانادایی که خدمات بشردوستانه در کشورهای آمریکای لاتین انجام می‌دهند، زبان اسپانیایی بیاموزم.

اکنون من در حال آموزش زبان اسپانیایی به کودکان و بزرگسالان هستم. در حال حاضر، به دلیل پاندمی، همه کلاس‌ها به صورت آنلاین برگزار می‌شود، اما برای آموزش بچه‌ها خوب است. کودکان کلاس بسیار بازیگوش هستند، اما اکنون والدین آنها در نزدیکی‌شان نشسته‌اند و به درس گوش می‌دهند.

تجربه جذاب آشپزی کردن و خوردن غذاهای پرویی در قلب کانادا

ما اهالی پرو علاقه زیادی به غذای خودمان داریم. در پرو غذاهای تلفیقی زیادی وجود دارد و ما دوست داریم غذاها را ترکیب و امتحان کنیم.

وقتی به کانادا نقل‌مکان کردیم بسیار نگران بودم که مجبور باشم در نهایت فقط ساندویچ بخورم. اما هر آنچه برای تهیه غذاهای پرو در اتاوا نیاز داشتم، پیدا کردم.

در کانادا، بازارهای مخصوص آمریکای لاتین وجود دارد که می‌توانم از آنها چیزی خاصی را که در غذاهای پرو استفاده می‌کنیم، پیدا کنم. چیزی پرو مانند چیزی مکزیکی تند نیست، اما عطر و طعم آن عالی است. من همیشه غذای پرویی می‌پزم.

وقتی در پرو زندگی می‌کردیم، من در خانه آشپزی نمی‌کردم، چون در آنجا برای کارهایی مثل آشپزی، تمیز کردن و لباسشویی در خانه یک نیروی کمکی داشتیم که در برخی کشورها معمول است.

آشپزی کردن در کانادا یک تغییر بزرگ برای من بود. اما وقتی شروع به پخت‌وپز کردم، دخترانم بسیار خوشحال شدند و همیشه از من تعریف می‌کردند. انگیزه من هم با دیدن چهره خوشحال و تعریف‌های آنها بیشتر می‌شد. شوهرم به شوخی می‌گوید قبل از آمدن به کانادا، من در طول زندگی مشترکم فقط دو بار غذا پخته بودم. حالا حتی او هم درست کردن برخی غذاهای پرویی را شروع کرده است.



۹ در کانادا، بازارهای مخصوص آمریکای لاتین وجود دارد که می‌توانم از آنها چیزی خاصی را که در غذاهای پرو استفاده می‌کنیم، پیدا کنم. چیزی پرو مانند چیزی مکزیکی تند نیست، اما عطر و طعم آن عالی است. من همیشه غذای پرویی می‌پزم



خانم کارلا سه ماه اول مهاجرت را گذاشته بود برای گریه کردن؛ ۴ سال بعد او چه می‌گوید



دوست‌یابی در کانادا به صبر و حوصله نیاز دارد

برخی از مهاجران می‌گویند که پیدا کردن دوستان جدید در کانادا دشوار است، اما این کار فقط به زمان و درک نیاز دارد. در نگرش و نحوه تعامل مردم با دیگران تفاوت وجود دارد.

مردم آمریکای لاتین بسیار خونگرم و برون‌گرا هستند. ما وقتی با شخص جدیدی آشنا می‌شویم، می‌توانیم بلافاصله در مورد زندگی شخصی خود صحبت کنیم. بسیاری از اوقات، من شروع به تعریف داستان زندگی خود برای غریبه‌ها، مثلاً والدین دوستان دخترم می‌کنم، اما کانادایی‌ها این کار را انجام نمی‌دهند. آنها ممکن است در مورد کار یا بچه‌ها صحبت کنند.

در مقایسه با مردم آمریکای لاتین، کانادایی‌ها محتاط‌تر هستند، به همین دلیل دوست پیدا کردن در اینجا دشوار به نظر می‌رسد. با این حال، من فکر می‌کنم کانادایی‌ها افراد بسیار محترمی هستند و بسیار دوستانه رفتار می‌کنند.

یادتان باشد که روی نکات مثبت کانادا تمرکز کنید

من قبل از آمدن به کانادا از چند دوست در لیما مشاوره‌های بسیار ارزشمندی دریافت کردم. یکی از آنها فردی بود که از ونزوئلا به پرو مهاجرت کرده بود و دیگری، همسر یک دیپلمات بود که بسیار سفر کرده، بارها نقل‌مکان کرده و در بسیاری از کشورها زندگی کرده بود. آنها به من گفتند که روی چیزهای مثبت تمرکز کنم، نه چیزهای منفی.

۹ در مقایسه با مردم آمریکای لاتین، کانادایی‌ها محتاط‌تر هستند، به همین دلیل دوست پیدا کردن در اینجا دشوار به نظر می‌رسد. با این حال، من فکر می‌کنم کانادایی‌ها افراد بسیار محترمی هستند و بسیار دوستانه رفتار می‌کنند

خانم کارلا سه ماه اول مهاجرت را گذاشته بود برای گریه کردن؛ ۴ سال بعد او چه می‌گوید

نمی‌دانم این در طبیعت من است یا نه، اما احساس می‌کنم که روی چیزهای مثبت تمرکز دارم و واقعا نمی‌توانم به چیزهای بد درباره اوتاوا و کانادا فکر کنم.

هنگام صحبت با والدینم، آنها از من می‌پرسند: «آیا چیزی در کانادا وجود دارد که شما از آن خوش‌تان نیاید؟» من به آنها جواب می‌دهم که تنها چیز بد، این است که آنها اینجا کنار ما نیستند.

حالا من سال‌هاست در اوتاوا زندگی می‌کنم. از نظر احساس امنیت، تصور نمی‌کردم که چقدر احساس خوبی از زندگی در اینجا خواهم داشت. این اصلی‌ترین مساله برای من است، چون آرامش خاطر را تجربه می‌کنم و اصلا استرس ندارم.

امسال روند شهروندی کانادا را شروع می‌کنم. در عین حال که به راه خود برای آموزش زبان اسپانیایی ادامه می‌دهم، مثبت‌نگر و خوش‌بین هستم. همچنین، لایسنس موردنیاز خود را دریافت می‌کنم و عجله نخواهم کرد. من صبورم.

شاید در آینده، نیمی از سال را در کانادا و نیمی دیگر را در پرو زندگی کنم

شاید یک روز، وقتی دخترانم خانه را ترک می‌کنند، بتوانم از هر دو دنیا لذت ببرم و نیمی از سال را در کانادا و نیمی دیگر را در پرو زندگی کنم. این به معنای گذراندن زمستان کانادا در پرو است چون وقتی در کانادا زمستان است، در پرو تابستان بسیار زیبایی را تجربه می‌کنیم. در این صورت، دو تابستان خواهم داشت، اما نمی‌خواهم زمستان کانادا را کنار بگذارم. زمستان زیبا است. وقتی انتظارات کمی دارید، واقعیت خیلی بهتر است.

شوهرم در ابتدا حرف‌هایی می‌زد که تصور کردم زندگی در کانادا وحشتناک است

شوهرم به من می‌گفت که در سه ماه اول مهاجرت به کانادا، احساس بدبختی خواهم کرد. او می‌گفت من هر روز گریه می‌کنم و درخواست می‌کنم که به لیما برگردم. بنابراین، من با این فکر به کانادا آمدم که زندگی در اینجا وحشتناک خواهد بود. فکر می‌کنم او کار خوبی انجام داد، چون وقتی بالاخره به اینجا رسیدم، هیچ‌یک از آن احساسات بد را تجربه نکردم.



شاید یک روز، وقتی دخترانم خانه را ترک می‌کنند، بتوانم از هر دو دنیا لذت ببرم و نیمی از سال را در کانادا و نیمی دیگر را در پرو زندگی کنم. این به معنای گذراندن زمستان کانادا در پرو است چون وقتی در کانادا زمستان است، در پرو تابستان بسیار زیبایی را تجربه می‌کنیم

کانادا

سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، تخصصی، دانشجویی
اسپانسرشیپ، تمدید کارت دائم و سیتزن شپ

[پذیرش و ویزای دانش‌آموزی و دانشجویی کانادا برای مقاطع دبیرستان، فوق‌دیپلم
لیسانس و فوق‌لیسانس بدون نیاز به ارائه مدرک زبان انگلیسی]

**PER SIS**

905.370.0160

Immigration Services

دفتر خدمات مهاجرت
پرپا اسکویی

www.canada118.com

10255 Yonge St., Unit 207, Richmond Hill,
Ontario, L4C 3B2





رسانه ایرانیان کانادا

ISSN 2369 - 9655

atash.ca

ATASH WEEKLY NEWSPAPER

Canada's Source For Iranian Community

647-919-4036

Advertising: sales@atash.ca

Atash In Social Media

 Telegram

 Instagram

 LinkedIn

 Daily Emails

 Twitter

 Facebook